

**Predigt am Drittletzen Sonntag im Kirchenjahr, 8.11.2020,
Erlöserkirche Düsseldorf (SELK)
Pfr. Gerhard Triebe**

**1. Thessalonicher 5,1-6:
اول تسالونیکیان فصل ۵ آیات ۱ الی ۶**

۱ اما ای برادران در خصوص وقتها و زمانها، احتیاج ندارید که به شما بنویسم.

۲ زیرا خود شما به تحقیق آگاهی که روز خداوند چون دزد در شب می آید.

۳ زیرا هنگامی که می گویند سلامتی و امان است، آنگاه هلاکت ایشان را ناگهان فرو خواهد گرفت، چون درد زه زن حامله را و هرگز رستگار نخواهند شد.

۴ لیکن شما ای برادران، در ظلمت نیستید تا آن روز چون دزد بر شما آید،

۵ زیرا جمیع شما پسران نور و پسران روز هستید، از شب و ظلمت نیستیم.

۶ بنابراین مثل دیگران به خواب نرویم، بلکه بیدار و هشیار باشیم.

جماعت عزیز ، در دوران جوانی زمانی که به سن قانونی رسیدم در سر آرزوی موتور سواری داشتم . وقتی پسر عموم که در عین حال بهترین دوستم نیز بود مرا سوارموتور یاماهاش کرد ، آتش اشتیاق در من شعله ور گشته بود. این شتاب و سرعت ، این بازی با تعادل - برآستی که برایم جذاب بود و مرا مسخ خود کرده بود . البته وقتی زمانی که ۱۸ ساله بودم گواهینامه موتورم را نیز گرفتم. بعد از آن می خواستم هر چه سریعتر یک موتور برای خودم بخرم. با این حال ، به عنوان یک دانشجو ، پول کافی برای این کار بسیار محدود بودو توان خرید یک موتور را نداشتم . اما یک روز توانستم یکی را اجاره کنم - به مدت دو روز. روز اول می خواستم خودم به تنهایی با موتور دوری بزنم تا به آن عادا کنم ، روز دوم می خواستم با همسرم گشت بزنم. نظرشما راجع به صبح روز اولی که از خواب بیدار شدم در مورد احساسم چیست ؟ آن روز چیزی به غیر از یک روز "معمولی دانشجویی" بود.از نظر من آفتاب به سختی طلوع می کرد ، بلافاصله بعد از اینکه از رختخواب بلند شدم سریع وارو حمام شدم . باید در اسرع وقت طبق برنامه آن روز پیش می رفتم . نبض من همانگونه سریع می زد ، همانند وقتی که با دست به موتور گاز می دادم.

پیش بینی چیزی بزرگ ، نشاط آور و الهام بخش. این امر می تواند در هنگام بازدید یا سفر نیز رخ دهد. چنین پیش بینی می تواند حتی گاهی اوقات نیروی غیر قابل باوری را رها سازد ، به طوری که نه تنها صبح زود از رختخواب بلند می شویم بلکه از رختخواب می جهیم.

البته تجارب دیگری نیز وجود دارد: روز بعد مشکلات عدیده ای هم در انتظار من بود ، بیشتر مواقع همه چیز آن طور که تصور می کنیم خوب پیش نمی رود .نتیجه معاینه و آزمایشی که قبلا داده بودم ، پس از برداشتن بافت و آزمایش پس از معاینه ، خوب پیش نرفت. چنین پیشامدهایی می تواند بیش از آنکه قدرت ایجاد کند ، باعث افسرده و فلج شدن انسان شود .

احساساتی که انتظار در ما ایجاد می کند کاملاً به شخص یا آنچه منتظر هستم بستگی دارد. در حال حاضر سیاست مداران ، متخصصان امور مالی و بازرگانی انتظار دارند که مردم هزینه کمتری خرج کنند و شرکت ها به دلیل همه گیری ، سرمایه گذاری کمتری انجام دهند. نگرانی در مورد رشد بیکاری و کاهش رفاه در حال افزایش است. افزایش تعداد عفونت ها باعث ترس بیش از حد در سیستم بهداشتی می شود. جوانان می

ترسند که برای اقدامات لازم برای مبارزه با تغییرات آب و هوایی وارد صحنه شوند . و تحولات بین المللی پس از انتخابات در ایالات متحده نیز انتظارات تاریک بسیاری را به وجود می آورد.

پولس رسول با آنچه برای مسیحیان در تسالونیکان نوشت ، راهی برای عبور از این بحران را به ما نشان می دهد. او در بیان کوتاه و مختصر وضوح آنچه را که در این دنیا در انتظار ماست ایجاد می کند و به ما می گوید که چگونه می توانیم به بهترین وجه با آن سازگار شویم. تمرکز بر تعهد قوی و هشدار فوری است. در این وعده آمده است: "شما فرزندان نور هستید" (آیه ۵). به همین دلیل ، پولس سپس نصیحت می کند: "اجازه ندهیم مانند دیگران بخوابیم ، بلکه مراقب و هوشیار باشیم" (آیه ۶)

"شما بچه های نور هستید!" - سال ها پیش رمانی را خواندم که در آن یک گروه بزرگسال و کودک سرزنده باید یک ماجراجویی خطرناک را تحمل کنند. پسر بچه ای یک برتری بی نظیر نسبت به همراهان بزرگسال خود داشت. او عینک دید در شب داشت. در حالی که دیگران در تاریکی درمانده و سرگردان بودند ، او همه چیز را از طریق این عینک می دید. او خطرات را دید و توانست به موقع به گروه اخطار دهد. او می دانست که کجا باید راه حل را پیدا کند و قهرمان داستان شد. می توان ایمان ما به عیسی مسیح را با چنین عینک دید در شبی قیاس کرد. کسانی که به پیام مسیح اعتماد کرده و خود را با آن همسو می کنند ، در مناطق تاریکی و خطر زندگی بهتر راه خود را پیدا می کنند. عیسی یک بار در مورد خودش گفت: "من نور جهان هستم" و به ما قول می دهد: "هر که مرا تعقیب کند در تاریکی راه نخواهد رفت بلکه نور زندگی خواهد داشت".

مهم است که درگیر ماجرا شویم ، به ویژه با توجه به آنچه در پایان در انتظار ما است. دقیقاً در آنجاست که مسیح می خواهد نور ما باشد و همچنین ما خودمان در نور می درخشیم. جایی که از نظر انسانی نمی توان به آن امیدوار بود ، جایی که به طور معمول فقط تاریکی و غم و اندوه و مالیخولیا حاکم است ، قلب و ذهن ما باید توسط پیام تسلی دهنده و تشویق کننده روشن شود: آخرین کلام در مورد انتهای زندگی ما با ویروس و بیماری نیست و مرگ حرف آخر را نمی زند . آخرین کلام عیسی مسیح است آن چیزی است که وی به آن عمل کرد ، او رنج و مرگ را به خاطر عشقی که به ما داشت تحمل کرد و با قیام خود بر تمامی قدرت های نابودی و ویرانگر غلبه کرد. این برای ما اتفاق افتاد، تا اجازه ندهیم که خود را ضعیف و مظلوم بدانیم ، تا در برابر آنچه می خواهد زندگی ما را مختل و نابود کند تسلیم نشویم. آنچه مهم است یافته های پزشکان ، تولید سریع یک واکسن خوب ، برنامه محرک اقتصادی مناسب و انتخاب رهبران مناسب، نیست. آزمایش های بیهوده و درگیری در مسائل حل نشده نیست . زیرا در ارتباط با عیسی مسیح ، از یک سو ، موارد زیر صورت پذیرفته است : "گاهان شما آمرزیده می شوند." و این وعده همچنین وقتی قضاوت نهایی درباره زندگی ما انجام شود ، پایدار خواهد ماند. در وعده دیگر عیسی چنین آمده است: "من زندگی می کنم و شما نیز زندگی خواهید کرد".

انتظار ما را به وجد می آورد و به ما الهام می کند. اصطلاحاً ، موتور سیکلت در حال حاضر جلوی درب منزل است ، بنابراین می توان گفت ، سفر تعطیلات رزرو شده است. بدون پرده صحبت می کنم : زندگی جدید در حال انجام است - از زمان غسل تعمید ما. از طریق آن ما "فرزندان نور" شدیم و از آن زمان این نور مانند طلوع یک روز باشکوه تابستانی به زندگی روزمره ما تابیده است. این روزها را روشن می کند و ترس ما از تاریکی و گمراهی را از بین می برد.

به عنوان چنین کودکان سبکبالی ، ما در موقعیتی هستیم که چیزهایی را که به طور معمول باعث ترس ، وحشت یا تسلیم می شوند را بسیار متفاوت ارزیابی کرده و با آنها روبرو می شویم . جاهایی که بسیاری فقط می توانند آنچه در آینده رخ می دهد در هاله ای از ابهام ببینند چه در حوزه شخصی ، در جماعت و کلیسا ، در کشور ما و در کل جهان - ما می توانیم آن را به وضوح ببینیم. نیازی نیست که خود را با پیش بینی های تاریک و چشم اندازهای تاریک به مرز جنون برسانیم . و این برای افرادی که چشم اندازشان محدود به این دنیا و امکانات شخصی آنها است تفاوت فاحشی ایجاد می کند. زیرا اگر سیاه می ببینید ، سر خود را در شن

و ماسه فرو می کنید و دیگر نمی خواهید چیزی را بشنوید یا ببینید ، یا با دلسردی ، سر در گریبان خود فرو می کنید و آه می کشید که : "شما نمی توانید کاری انجام دهید." از طرف دیگر ، اگر واضح ببینید ، از تاریکی عبور می کنید و تاریکی این جهان است. این ایمان قدرت پیدا کرده و نمی گذارد دلسرد شوید.

اجازه ندهید که با یکدیگر ، جامعه عزیز ، سو تفاهم داشته باشیم: با ایمان به عیسی مسیح ، جهان ناگهان کامل و در صلح نخواهد شد. عینک شب یا شفاف صورتی قرمز نیست. سایه های تاریک و ناسازگاری های این جهان باقی است. گرسنگی و بی عدالتی ها ، بلایا و جنگ ها همچنان وجود دارد. ایمان ما آنها را پاک نمی کند. اما از طریق ایمان ما می دانیم که چگونه همه این موارد وحشتناک را به درستی طبقه بندی کنیم و - اگر در پرتو عیسی مسیح بمانیم - می توانیم با آنها معقولانه و بدون هراس و تسلیم شدن کنار بیاییم.

برای این منظور ، در بخش های کتاب مقدس به صراحت، ما فراخوانده و مورد تشویق قرار گرفته ایم: هنگام خواب هیچ نوری در چشم ما نمی افتد. ما چیزهایی را که در اطرافمان اتفاق می افتد درک نمی کنیم. ما بی دفاع و بدون اراده هستیم. ما حتی یک بار در خوابگاه دانشگاه یکی از هم اتاقی هایمان را هنگامی که خواب بود با تختش از اتاق خارج کردیم ، بدون اینکه چیزی متوجه شود. فقط وقتی بیدار شد تعجب کرد و متوجه شد که او در اتاقش نیست ، بلکه در اتاق تلویزیون است.

بیدار و هوشیار بودن - این بدان معناست که اول از همه مهم این است که آرام و واقع بین باشید. آرام زیرا ما می دانیم که آینده ما در دستان خداست. واقع بینانه است ، زیرا هر نقاشی سیاه یا قرمز گل رز فقط حواس ما را پنهان می کند و باعث می شود هدف نهایی را از دست بدهیم. از آنجا که ما تعمیم گرفتیم ، می توانیم اطمینان داشته باشیم که به خدا تعلق داریم و او همه کارها را برای اطمینان از موفقیت زندگی و مرگ ما انجام می دهد. ما می توانیم عشق و وفاداری او را با چشم خود ببینیم. درست در ابتدای انجیل خود ، تصادفی نیست که یوحنا می نویسد: "ما جلال او را دیدیم ، شکوهی مانند یگانه پسر که از پدر دریافت می کند ، پر از فیض و حقیقت". و حرف اول یوحنا با این جمله آغاز می شود: "آنچه را که با چشم خود دیده ایم ، آنچه را که نگاه کرده ایم و آنچه را که به دست خود لمس کرده ایم ... آن را به شما اعلام می کنیم".

پولس در اینجا ، مختصر تر ، اما قانع کننده ، آن را متفاوت می گوید: «شما بچه های نور و روشنایی هستید. این شما هستید که از زمان تعمیم خود عیسی مسیح را دنبال می کنید. "از زمان رستاخیز و عروج او ، ما می دانیم که مسیر او به کجا می انجامد. بنابراین ما همچنین می دانیم که چه انتظاری باید داشته باشیم. ما با جزئیات نمی دانیم ، اما هدف را می دانیم: نوری در انتهای تونل ، سعادت ابدی ، که در آن تمام رنج ها و سختی ها به پایان می رسد.

این نور در انتهای تونل می درخشد - همانطور که گفتیم - هم اکنون به زندگی ما در اینجا ، مانند نور یک صبح جدید به زمان ما می تابد. این ما را آماده و قادر می کند ، علی رغم همه پیش بینی های غم انگیز دنیای خود ، جرات کنیم بارها و بارها دست به کار شویم و از آنچه در آنجا می یابیم بهترین استفاده را ببریم. همچنین باعث می شود ما بتوانیم موانعی را که زندگی ما و هموعان ما را به خطر می اندازد شناسایی و از بین ببریم. این باعث می شود ما در عین حال آماده باشیم و بتوانیم به جای اینکه طبق این شعار زندگی کنیم ، با امکاناتی که خداوند در اختیار ما قرار داده با مسئولیت پذیری با مشکلات مقابله کنیم ، همچنین ما را آماده می کند تا بتوانیم به دیگران ، تنها نور واقعی در انتهای تونل را نشان دهیم تا با پایبند بودن به کلیسا و همسویی اقدامات ما با کلام خدا جلب توجه کنیم.

مارتین لوتر یک بار آن را به روش تکرار نشدنی خود برای رسیدن به این نکته بیان کرد: "و اگر می دانستم که فردا دنیا به پایان می رسد ، دوست داشتم که امروز درخت سیب خود را بکارم." این انتظار ، شما را سرزنده می کند و شما را وادار به عمل می کند. و این در آنچه عیسی انجام داد و در تعمیم به ما داد ، کاملاً ثابت است. بنابراین شاد و با اعتماد به نفس ، بلکه هوشیار و صبور برای کار کردن - به ویژه هنگامی که مهمترین چیز ایستادن در برابر ناامیدی و بی احساسی است. چون ما بچه های نور هستیم! آمین